



© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.
انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.

رابطه بین سواد اطلاعاتی با شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران مدارس

مشخصات نویسندگان:

- شیوه استناددهی: رجبی، محمد، حسینی میرصفی، اشرف السادات، و عصاره، علیرضا. (۱۴۰۴). رابطه بین سواد اطلاعاتی با شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران مدارس، یادگیری، تربیت و آموزش مدارس در هزاره سوم، ۲(۳)، ۱۹-۱.
۱. محمد رجبی: دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
 ۲. اشرف السادات حسینی میرصفی*: گروه حکمرانی آموزشی و سرمایه انسانی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
 ۳. علیرضا عصاره: استاد علوم تربیتی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

*پست الکترونیکی نویسنده مسئول: dr.s.hoseini@iau.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سواد اطلاعاتی با شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران مدارس بود. این پژوهش با رویکرد کمی و به روش توصیفی-همبستگی انجام شد. جامعه آماری شامل ۱۹۷ نفر از مدیران مدارس شهرستان گناباد در استان خراسان رضوی بود که در مقاطع ابتدایی، متوسطه اول، متوسطه دوم، کار دانش و فنی-حرفه‌ای فعالیت داشتند. بر اساس جدول کرجسی و مورگان، حجم نمونه ۱۲۷ نفر برآورد شد و با در نظر گرفتن احتمال ریزش، ۱۴۰ مدیر به روش تصادفی طبقه‌ای متناسب انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه ۱۵ گویه‌ای سواد اطلاعاتی مدیران و خرده‌مقیاس‌های شایستگی، استقلال و مؤثر بودن از پرسشنامه استاندارد توانمندسازی مدیران استفاده شد. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی، آزمون کولموگروف-اسمیرنف، ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون در نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند و سطح معنی‌داری ۰.۰۵ در نظر گرفته شد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که سواد اطلاعاتی با شایستگی مدیران رابطه مثبت و معنی‌داری داشت ($r=0.483, p<0.01$). همچنین، رابطه سواد اطلاعاتی با استقلال مدیران مثبت و معنی‌دار بود ($r=0.433, p<0.01$) و بین سواد اطلاعاتی و مؤثر بودن مدیران نیز رابطه مثبت و معنی‌داری مشاهده شد ($r=0.272, p<0.01$). نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که ضریب استانداردشده رابطه سواد اطلاعاتی با شایستگی برابر با $\beta=0.44$ ، با استقلال برابر با $\beta=0.43$ و با مؤثر بودن برابر با $\beta=0.30$ بود و تمامی این روابط در سطح کمتر از ۰.۰۰۱ معنی‌دار بودند. یافته‌ها نشان داد که سواد اطلاعاتی با شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران مدارس رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. بر این اساس، هرچه مدیران توانایی بیشتری در شناسایی نیاز اطلاعاتی، جست‌وجو، ارزیابی و به‌کارگیری اطلاعات معتبر داشته باشند، احتمال برخورداری آنان از شایستگی حرفه‌ای بیشتر، استقلال بالاتر در تصمیم‌گیری و احساس مؤثر بودن بیشتر نیز افزایش می‌یابد. بنابراین، تقویت سواد اطلاعاتی می‌تواند به‌عنوان یکی از محورهای توسعه حرفه‌ای مدیران مدارس مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سواد اطلاعاتی، شایستگی، استقلال، مؤثر بودن، مدیران مدارس.

Submit Date: 04 September 2025

Revise Date: 11 November 2025

Accept Date: 16 November 2025

Publish Date: 22 November 2025



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the [CC BY-NC 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) License.



The Relationship Between Information Literacy and School Principals' Competence, Autonomy, and Effectiveness

How to cite: Rajabi, M., Hosseini Mirsafi, A. A., & Assare, A. (2025). The Relationship Between Information Literacy and School Principals' Competence, Autonomy, and Effectiveness. *Learning, Training, and Education in Schools in the Third Millennium*, 2(3), 1-19.

Authors' Information:

1. Mohammad Rajabi: PhD Student, Department of Educational Management ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Ashraf AlSadat Hosseini Mirsafi*: Department of Educational Governance and Human Capital, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
3. Alireza Assare: Professor of Educational Sciences, Shahid Rajaee Teacher Training University, Tehran, Iran

Corresponding author's email: dr.s.hoseini@iau.ac.ir

Abstract

This study aimed to examine the relationship between information literacy and school principals' competence, autonomy, and effectiveness. This quantitative study employed a descriptive-correlational design. The statistical population consisted of 197 school principals working in Gonabad County, Razavi Khorasan Province, Iran, across elementary, lower-secondary, upper-secondary, technical, and vocational schools. Based on the Krejcie and Morgan table, the minimum sample size was estimated at 127; however, considering possible attrition, 140 principals were selected through proportionate stratified random sampling. Data were collected using a 15-item School Principals' Information Literacy Questionnaire and the competence, autonomy, and effectiveness subscales of a standardized managerial empowerment questionnaire. Data were analyzed in SPSS using the Kolmogorov-Smirnov test, Pearson correlation coefficients, and regression analysis. The significance level was set at 0.05. Pearson correlation analysis showed that information literacy was positively and significantly correlated with principals' competence ($r=0.483$, $p<0.01$), autonomy ($r=0.433$, $p<0.01$), and effectiveness ($r=0.272$, $p<0.01$). Regression analysis further demonstrated that the standardized coefficient for the relationship between information literacy and competence was $\beta=0.44$, while the corresponding coefficients for autonomy and effectiveness were $\beta=0.43$ and $\beta=0.30$, respectively. All regression coefficients were statistically significant at $p<0.001$, confirming all three study hypotheses. The findings indicated that higher information literacy was significantly associated with greater competence, autonomy, and effectiveness among school principals. Principals who are more capable of identifying information needs, locating relevant sources, critically evaluating information, and applying evidence appropriately are more likely to perceive themselves as professionally competent, exercise greater autonomy in managerial decision-making, and experience stronger effectiveness in carrying out their responsibilities. Therefore, strengthening information literacy should be considered an important component of professional development programs for school principals.

Keywords: *Information Literacy, Competence, Autonomy, Effectiveness, School Principals.*

مقدمه

تحولات شتابان در حوزه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، گسترش منابع دیجیتال، افزایش حجم داده‌های در دسترس و ورود ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی به محیط‌های آموزشی، ماهیت مدیریت مدرسه را در سال‌های اخیر به‌طور قابل توجهی تغییر داده است. مدیر مدرسه در شرایط کنونی صرفاً مسئول اجرای امور اداری و نظارت بر فعالیت‌های روزمره نیست، بلکه باید بتواند حجم وسیعی از اطلاعات آموزشی، مدیریتی، سازمانی و فناورانه را شناسایی، ارزیابی، تفسیر و در تصمیم‌گیری‌های خود به‌کار گیرد. در چنین فضایی، برخورداری از سواد اطلاعاتی به یکی از الزامات اساسی مدیریت اثربخش تبدیل شده است. سواد اطلاعاتی به توانایی تشخیص نیاز اطلاعاتی، جست‌وجوی هدفمند منابع، ارزیابی اعتبار اطلاعات، سازمان‌دهی داده‌ها و استفاده مسئولانه و مؤثر از اطلاعات در موقعیت‌های مختلف اشاره دارد. این مفهوم در محیط‌های آموزشی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا تصمیم‌های مدیران مدارس مستقیماً بر کیفیت فرایندهای آموزشی، سازمان‌دهی فعالیت‌ها، نحوه حل مسائل و جهت‌گیری‌های مدرسه اثر می‌گذارد. چارچوب‌های جدید سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی نیز بر این نکته تأکید دارند که توانایی دسترسی انتقادی به اطلاعات، تشخیص منابع معتبر و استفاده اخلاقی از اطلاعات، بخشی از شایستگی‌های بنیادین افراد در نظام‌های آموزشی معاصر است (Unesco, 2025).

اهمیت سواد اطلاعاتی زمانی بیشتر آشکار می‌شود که ماهیت محیط اطلاعاتی جدید مورد توجه قرار گیرد. محیط‌های آموزشی امروز با اطلاعات متعدد، متنوع و گاه متناقض مواجه‌اند و ابزارهای دیجیتال و سامانه‌های هوشمند تولید و انتشار اطلاعات را بسیار تسهیل کرده‌اند. در چنین شرایطی، مدیران مدارس ممکن است در معرض اطلاعات ناقص، نامعتبر یا جهت‌دار قرار گیرند و چنانچه از توانایی لازم برای تحلیل انتقادی اطلاعات برخوردار نباشند، کیفیت تصمیم‌گیری آنان کاهش می‌یابد. توسعه فناوری‌های مولد هوش مصنوعی نیز ضرورت بازتعریف سواد اطلاعاتی را افزایش داده است، زیرا تشخیص اصالت، اعتبار و ارزش اطلاعات در محیط‌های هوشمند بیش از گذشته به تفکر انتقادی و ارزیابی منابع نیاز دارد. در این زمینه، ادبیات جدید بر تلفیق سواد اطلاعاتی و تفکر انتقادی برای مواجهه با خروجی‌های سیستم‌های هوشمند تأکید کرده است (Matthews & Bartley, 2025). همچنین، افزایش تولید محتوای جعلی و دستکاری‌شده مبتنی بر هوش مصنوعی، به‌ویژه محتوای تصویری و رسانه‌ای، اهمیت توانایی تشخیص اطلاعات معتبر از محتوای ساختگی را دوچندان کرده است (Singh & Kumar, 2025). از این‌رو، سواد اطلاعاتی دیگر صرفاً یک مهارت فنی برای دسترسی به اطلاعات محسوب نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از توانایی‌های شناختی، انتقادی و کاربردی است که بر کیفیت عملکرد حرفه‌ای افراد اثر می‌گذارد.

در حوزه آموزش نیز سواد اطلاعاتی به‌عنوان بخشی از صلاحیت حرفه‌ای و دیجیتال کارکنان آموزشی شناخته می‌شود. چارچوب‌های جدید توسعه صلاحیت دیجیتال در محیط کار نشان می‌دهند که توانایی یافتن، ارزیابی و استفاده از اطلاعات، با عملکرد حرفه‌ای، سازگاری با فناوری و حل مسئله در محیط‌های سازمانی ارتباط مستقیم دارد (Yates & Partridge, 2024). در مدارس، این موضوع اهمیت مضاعفی دارد؛ زیرا مدیران علاوه بر مدیریت اطلاعات سازمانی، باید بتوانند درباره مسائل آموزشی، عملکرد کارکنان، نیازهای دانش‌آموزان و تصمیم‌های اجرایی

به اطلاعات صحیح و به موقع دسترسی پیدا کنند. در نتیجه، سواد اطلاعاتی می تواند زیربنایی برای ارتقای کیفیت تصمیم گیری مدیریتی و افزایش توان مدیر در انجام وظایف حرفه ای باشد. مطالعات مربوط به محیط های آموزشی نشان داده اند که آموزش هدفمند سواد اطلاعاتی می تواند نحوه جست و جو، پردازش و ارزیابی اطلاعات را بهبود بخشد و یادگیری و عملکرد افراد را در موقعیت های آموزشی تقویت کند (Vongkulluksn et al., 2024). این یافته ها بیانگر آن است که سواد اطلاعاتی یک توانایی قابل آموزش و توسعه است و می تواند در ساختارهای آموزشی به عنوان یکی از مؤلفه های ارتقای ظرفیت حرفه ای مورد توجه قرار گیرد.

یکی از ابعاد مهمی که می تواند با سواد اطلاعاتی مرتبط باشد، شایستگی مدیران مدارس است. شایستگی به ادراک فرد از توانایی و قابلیت خود برای انجام موفقیت آمیز وظایف حرفه ای اشاره دارد و در بافت مدیریت مدرسه می تواند شامل توانایی حل مسئله، تصمیم گیری، تحلیل موقعیت ها و اجرای مؤثر مسئولیت های مدیریتی باشد. مدیری که قادر است اطلاعات مورد نیاز خود را به درستی شناسایی کند، منابع مناسب را بیابد و اعتبار داده ها را ارزیابی کند، احتمال بیشتری دارد که در مواجهه با مسائل پیچیده مدیریتی احساس توانایی و تسلط بیشتری داشته باشد. در واقع، برخورداری از سواد اطلاعاتی می تواند دامنه دانش و آگاهی مدیر را افزایش دهد و امکان اتخاذ تصمیم های منطقی تر و مبتنی بر شواهد را فراهم کند. شواهد پژوهشی در محیط های آموزشی نیز نشان داده اند که سواد اطلاعاتی با خودکارآمدی و توانایی عملکردی ارتباط دارد. برای مثال، پژوهش بابایی پرشه و مصدقی نیک نشان داد که سواد اطلاعاتی و مهارت های ارتباطی معلمان با خودکارآمدی تحصیلی ارتباط دارد (Babaei Parsheh & Mosadeghi Nik, 2022). اگرچه این مطالعه در میان معلمان انجام شده است، نتایج آن از این فرض حمایت می کند که توانایی کار با اطلاعات می تواند ادراک افراد از کفایت و توانایی عملکردی خود را تقویت کند.

در همین راستا، برخی پژوهش ها رابطه سواد اطلاعاتی با توانمندسازی حرفه ای را نیز مورد تأیید قرار داده اند. حسینی و علیزاده نشان دادند که سواد اطلاعاتی می تواند در فرایند توانمندسازی حرفه ای معلمان نقش واسطه ای و تقویت کننده داشته باشد (Hosseini & Alizadeh, 2023). همچنین، پژوهش منطق و جباری درباره کارکنان دانشگاهی نشان داد که مهارت های سواد دیجیتال با توانمندسازی کارکنان ارتباط دارد و افزایش توانایی استفاده از فناوری و اطلاعات می تواند ادراک افراد از قابلیت و اختیار حرفه ای خود را تقویت کند (Mantegh & Jabbari, 2022). چنین یافته هایی از این دیدگاه حمایت می کنند که برخورداری از مهارت های اطلاعاتی نه تنها موجب افزایش دانش می شود، بلکه می تواند احساس شایستگی و تسلط فرد بر وظایف حرفه ای را نیز ارتقا دهد. برای مدیران مدارس، این موضوع می تواند به شکل افزایش اعتماد به توانایی خود در تحلیل مشکلات، ارزیابی گزینه ها و انتخاب راه حل مناسب نمود پیدا کند.

از سوی دیگر، استقلال مدیریتی یکی دیگر از متغیرهایی است که احتمالاً با سواد اطلاعاتی ارتباط دارد. استقلال در مدیریت به میزان اختیار و آزادی فرد در انتخاب روش انجام وظایف، تصمیم گیری و تنظیم اقدامات حرفه ای اشاره دارد. مدیرانی که دسترسی بیشتری به اطلاعات معتبر دارند و می توانند منابع مختلف را تحلیل کنند، معمولاً برای تصمیم گیری کمتر وابسته به دیدگاه های محدود یا اطلاعات غیررسمی خواهند بود. در نتیجه، سواد اطلاعاتی می تواند مبنایی برای تصمیم گیری مستقل تر و مسئولانه تر فراهم کند. توانایی دستیابی به اطلاعات معتبر موجب می شود مدیر به جای اتکال صرف به توصیه ها یا برداشت های شخصی، گزینه های مختلف را بررسی کرده و تصمیم خود را بر اساس شواهد

اتخاذ کند. از این منظر، سواد اطلاعاتی می‌تواند استقلال شناختی و حرفه‌ای مدیر را افزایش دهد و زمینه ایفای نقش فعال‌تر او در اداره مدرسه را فراهم سازد.

یافته‌های پژوهشی در حوزه فناوری و یادگیری نیز نشان داده‌اند که خودکارآمدی در استفاده از فناوری و اطلاعات با استقلال بیشتر در فرایندهای تصمیم‌گیری و یادگیری ارتباط دارد. مطالعه یو و هو نشان داد که خودکارآمدی در فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند بر نحوه تعامل افراد با محیط‌های دیجیتال و توانایی استفاده مستقلانه از منابع اطلاعاتی تأثیر بگذارد (Yu & Hu, 2022). همچنین، پژوهش ژو و وانگ نشان داد که سطوح بالاتر خودکارآمدی در سواد اطلاعاتی با استفاده مؤثرتر از راهبردهای خودتنظیمی همراه است (Xu & Wang, 2025). هرچند این پژوهش در حوزه نوشتار و یادگیری انجام شده است، از منظر نظری می‌توان استدلال کرد که افزایش خودکارآمدی اطلاعاتی به فرد امکان می‌دهد کنترل بیشتری بر فرایندهای تصمیم‌گیری و انتخاب‌های خود داشته باشد. در محیط مدیریت مدرسه نیز چنین سازوکاری می‌تواند به افزایش استقلال مدیر در تحلیل موقعیت‌ها و انتخاب راهکارهای مناسب منجر شود.

متغیر دیگر مورد توجه در پژوهش حاضر، مؤثر بودن مدیران مدارس است. مؤثر بودن به ادراک فرد از میزان تأثیرگذاری اقدامات و تصمیم‌های خود بر نتایج و فرایندهای سازمانی اشاره دارد. مدیر مدرسه زمانی احساس مؤثر بودن می‌کند که بتواند بر تصمیم‌ها، اجرای برنامه‌ها و نتایج حاصل از فعالیت‌های مدرسه اثر بگذارد. از آنجا که تصمیم‌های مدیریتی تا حد زیادی بر کیفیت اطلاعات در دسترس وابسته است، منطقی است که سواد اطلاعاتی بتواند با میزان مؤثر بودن مدیر ارتباط داشته باشد. مدیری که توانایی ارزیابی شرایط، تحلیل داده‌ها و استفاده از شواهد مناسب را دارد، می‌تواند تصمیم‌های دقیق‌تری اتخاذ کند و پیامدهای اقدامات خود را بهتر پیش‌بینی نماید. در نتیجه، احتمال دستیابی او به نتایج مطلوب افزایش می‌یابد و این امر می‌تواند ادراک او از مؤثر بودن را تقویت کند.

در این زمینه، یافته‌های پژوهش‌های مرتبط نشان می‌دهند که سواد اطلاعاتی با شاخص‌های مختلف عملکردی و انگیزشی ارتباط مثبت دارد. ساراوانی و تراوردی‌زاده نشان دادند که سواد اطلاعاتی با انگیزش تحصیلی ارتباط دارد و افرادی که از مهارت‌های اطلاعاتی بالاتری برخوردارند، مشارکت و انگیزه بیشتری در فعالیت‌های آموزشی نشان می‌دهند (Saravani & Taravirdi Zadeh, 2025). همچنین، رحیمی و رضایی نشان دادند که سواد اطلاعاتی معلمان با ادراک سودمندی فناوری‌های یادگیری شخصی‌سازی‌شده ارتباط دارد و سطح بالاتر سواد اطلاعاتی می‌تواند استفاده مؤثرتر از فناوری را تسهیل کند (Rahimi & Rezaei, 2025). این یافته‌ها نشان می‌دهند که سواد اطلاعاتی می‌تواند به افراد کمک کند ابزارها و منابع موجود را بهتر درک و استفاده کنند و در نتیجه، احساس کنترل و اثربخشی بیشتری نسبت به عملکرد خود داشته باشند.

در محیط‌های آموزشی دیجیتال نیز نقش سواد اطلاعاتی در کیفیت تجربه آموزشی تأیید شده است. شکرپور و همکاران در مطالعه‌ای بر دانشجویان پرستاری ایرانی نشان دادند که بین سواد اطلاعاتی و رضایت از کیفیت آموزش مجازی رابطه وجود دارد (Shokrpour et al., 2024). این نتیجه بیانگر آن است که توانایی افراد در استفاده از اطلاعات و منابع دیجیتال می‌تواند بر کیفیت تجربه و ارزیابی آنان از فرایندهای آموزشی اثرگذار باشد. در سطح مدیریتی، این سازوکار می‌تواند به شکل استفاده کارآمدتر از داده‌ها، سامانه‌های اطلاعاتی و منابع تصمیم‌گیری

ظاهر شود و در نهایت بر مؤثر بودن مدیر تأثیر بگذارد. به بیان دیگر، مدیری که قادر است اطلاعات را به شکل صحیح دریافت، تحلیل و در اقدام‌های مدیریتی به کار گیرد، احتمال بیشتری دارد که نتایج تصمیم‌های خود را مؤثر ارزیابی کند.

در سال‌های اخیر، ورود هوش مصنوعی به نظام‌های آموزشی نیز دامنه و اهمیت سواد اطلاعاتی را گسترش داده است. ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند حجم زیادی از اطلاعات را در اختیار مدیران و کارکنان آموزشی قرار دهند، اما استفاده مفید از این ابزارها مستلزم توانایی ارزیابی خروجی‌ها، تشخیص محدودیت‌ها و بررسی اعتبار پاسخ‌های تولیدشده است. کورسلوند و سیبرت تأکید کرده‌اند که تقویت سواد اطلاعاتی در عصر هوش مصنوعی می‌تواند به توانمندسازی معلمان و یادگیرندگان کمک کند و آنان را برای استفاده مسئولانه و انتقادی از فناوری آماده سازد (Korslund & Seibert, 2025). همچنین، ترخو-کینتانا و سایاد بیان کرده‌اند که سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در عصر هوش مصنوعی باید بر توانایی فهم، ارزیابی و استفاده انتقادی از اطلاعات تمرکز کند (Trejo-Quintana & Sayad, 2024). این ضرورت برای مدیران مدارس نیز کاملاً قابل تعمیم است، زیرا تصمیم‌های مدیریتی امروز بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر سامانه‌های اطلاعاتی و داده‌های دیجیتال قرار گرفته‌اند.

افزون بر این، تقویت سواد اطلاعاتی می‌تواند از طریق بهبود توانایی حل مسئله، ادراک شایستگی مدیران را نیز ارتقا دهد. یاری زنگنه نشان داد که آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی می‌تواند خودکارآمدی در مهارت‌های حل مسئله را افزایش دهد (Yari Zanganeh, 2024). این یافته از نظر مدیریت مدارس اهمیت زیادی دارد، زیرا بخش مهمی از فعالیت مدیران به مواجهه با موقعیت‌های مسئله‌محور و اتخاذ تصمیم در شرایط پیچیده اختصاص دارد. دسترسی به اطلاعات معتبر و توانایی تحلیل آن‌ها می‌تواند عدم قطعیت را کاهش دهد و به مدیر کمک کند بین گزینه‌های مختلف انتخاب دقیق‌تری داشته باشد. چنین فرایندی می‌تواند هم شایستگی ادراک‌شده و هم استقلال تصمیم‌گیری مدیر را تقویت کند و در نهایت، احساس مؤثر بودن او را افزایش دهد.

از سوی دیگر، مطالعات مدیریت منابع انسانی و توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای نیز بر ضرورت توجه به توانایی‌های اطلاعاتی و شناختی مدیران تأکید دارند. هرچند پژوهش سرگانی و همکاران مستقیماً به سواد اطلاعاتی نپرداخته است، نتایج آن درباره طراحی الگوی مدیریت استعداد نشان می‌دهد که توسعه قابلیت‌های حرفه‌ای و شایستگی‌های مدیریتی برای ارتقای عملکرد سازمانی اهمیت اساسی دارد (Sirghani et al., 2023). در این چارچوب، سواد اطلاعاتی می‌تواند یکی از منابع توسعه شایستگی‌های مدیریتی تلقی شود، زیرا مدیر را قادر می‌سازد اطلاعات لازم برای شناخت مسائل، انتخاب راهبرد و ارزیابی نتایج را به شکل مؤثرتری به کار گیرد.

در مجموع، ادبیات موجود نشان می‌دهد که سواد اطلاعاتی با طیف گسترده‌ای از پیامدهای آموزشی و حرفه‌ای از جمله خودکارآمدی، توانمندسازی، استفاده مؤثر از فناوری، انگیزش، حل مسئله و عملکرد ارتباط دارد. با این حال، بخش قابل توجهی از پژوهش‌های پیشین بر دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان یا کارکنان دانشگاهی متمرکز بوده‌اند و بررسی مستقیم رابطه سواد اطلاعاتی با ابعاد عملکردی مدیران مدارس کمتر مورد توجه قرار گرفته است. افزون بر این، در حالی که بسیاری از مطالعات جدید بر ضرورت ارتقای سواد اطلاعاتی در عصر دیجیتال و هوش مصنوعی تأکید دارند، مشخص نیست که این توانایی تا چه اندازه با ادراک مدیران از شایستگی، استقلال و مؤثر بودن خود در محیط

واقعی مدرسه مرتبط است. بررسی این روابط می‌تواند از یک سو به توسعه ادبیات مربوط به مدیریت آموزشی و سواد اطلاعاتی کمک کند و از سوی دیگر، شواهدی برای طراحی برنامه‌های توسعه حرفه‌ای مدیران مدارس فراهم آورد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سواد اطلاعاتی با شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران مدارس بود.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر یک مطالعه کمی، توصیفی و از نوع همبستگی بود که با هدف بررسی رابطه بین سواد اطلاعاتی و سه متغیر شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران مدارس انجام شد. با توجه به ماهیت مسئله پژوهش، هیچ‌گونه مداخله یا دست‌کاری آزمایشی در متغیرها صورت نگرفت و متغیرهای مورد مطالعه در شرایط طبیعی و بر اساس پاسخ‌های مدیران مدارس به ابزارهای استاندارد گردآوری داده‌ها اندازه‌گیری شدند. در این مطالعه، سواد اطلاعاتی به‌عنوان متغیر اصلی پیش‌بین و شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران مدارس به‌عنوان متغیرهای ملاک در نظر گرفته شدند. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی مدیران مدارس شهرستان گناباد در استان خراسان رضوی در مقاطع ابتدایی، متوسطه اول، متوسطه دوم، کاردانش و فنی‌وحرفه‌ای بود که تعداد کل آنان ۱۹۷ نفر گزارش شد. برای تعیین حجم نمونه از جدول کرجسی و مورگان استفاده شد که بر اساس آن حداقل حجم نمونه ۱۲۷ نفر برآورد گردید؛ با این حال، به‌منظور جبران احتمال ریزش نمونه، عدم بازگشت برخی پرسشنامه‌ها یا ناقص بودن پاسخ‌ها، حجم نمونه اولیه ۱۴۰ نفر در نظر گرفته شد. نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای و متناسب با تعداد مدیران در مقاطع تحصیلی و مدارس شهری و روستایی انجام گرفت تا ترکیب نمونه تا حد امکان نمایانگر ساختار جامعه آماری باشد. بر این اساس، ۸۲ مدیر از مدارس ابتدایی شامل ۳۹ مدیر مدارس شهری و ۴۳ مدیر مدارس روستایی، ۳۲ مدیر از مدارس متوسطه اول شامل ۱۶ مدیر مدارس شهری و ۱۶ مدیر مدارس روستایی و ۲۶ مدیر از مدارس متوسطه دوم، کاردانش و فنی‌وحرفه‌ای شامل ۲۴ مدیر مدارس شهری و ۲ مدیر مدارس روستایی وارد نمونه شدند. معیار ورود به مطالعه شامل اشتغال به‌عنوان مدیر مدرسه در زمان اجرای پژوهش، قرار داشتن در جامعه آماری تعریف‌شده، تمایل آگاهانه برای شرکت در پژوهش و تکمیل ابزارهای پژوهش بود. پرسشنامه‌ها پس از هماهنگی‌های لازم در اختیار مدیران واجد شرایط قرار گرفت و پیش از تکمیل آنها، هدف پژوهش، اختیاری بودن مشارکت و محرمانه ماندن اطلاعات برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد. پس از اخذ رضایت آگاهانه، پرسشنامه‌ها تکمیل و جمع‌آوری شدند و داده‌های حاصل پس از بررسی از نظر کامل بودن پاسخ‌ها، کدگذاری و برای تحلیل آماری آماده شدند.

برای سنجش سواد اطلاعاتی مدیران مدارس از پرسشنامه سواد اطلاعاتی مدیران استفاده شد. این ابزار دارای ۱۵ گویه است و پاسخ‌ها بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که افزایش نمره کل نشان‌دهنده سطح بالاتر سواد اطلاعاتی مدیر است. گویه‌های این ابزار سه حوزه اصلی سواد اطلاعاتی شامل سواد کتبی، سواد فنی و سواد ارتباطی را پوشش می‌دهند و هر حوزه با پنج گویه اندازه‌گیری می‌شود. گویه‌های ۱ تا ۵ به سواد کتبی، گویه‌های ۶ تا ۱۰ به سواد فنی و گویه‌های ۱۱ تا ۱۵ به سواد ارتباطی اختصاص دارند. در پژوهش حاضر، علاوه بر امکان محاسبه نمرات حوزه‌های مذکور، نمره کل سواد اطلاعاتی به‌عنوان شاخص اصلی این متغیر در تحلیل رابطه آن با شایستگی، استقلال

و مؤثر بودن مدیران مورد استفاده قرار گرفت. روایی این پرسشنامه در مطالعه رباطی در سال ۲۰۱۵ بررسی و تأیید شده است و پایایی آن نیز بر اساس ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۶ گزارش شده که نشان‌دهنده همسانی درونی مطلوب ابزار است. در مطالعه حاضر نیز پیش از انجام تحلیل‌های اصلی، همسانی درونی گویه‌های مربوط به سواد اطلاعاتی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مجدداً بررسی شد تا اطمینان حاصل شود که ابزار در نمونه حاضر از پایایی قابل قبول برخوردار است.

برای سنجش شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران از خرده‌مقیاس‌های مرتبط پرسشنامه استاندارد توانمندسازی مدیران استفاده شد. این ابزار مبتنی بر چارچوب سنجش توانمندسازی روان‌شناختی طراحی شده و پاسخ‌دهندگان میزان موافقت خود با هر گویه را در یک طیف هفت‌درجه‌ای لیکرت، از پایین‌ترین تا بالاترین سطح موافقت، مشخص می‌کنند. در پژوهش حاضر صرفاً نمرات مربوط به شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مورد استفاده قرار گرفتند و تحلیل‌ها منحصراً بر همین سه متغیر متمرکز بودند. شایستگی بیانگر ادراک مدیر از توانایی، مهارت و قابلیت خود برای انجام موفق وظایف مدیریتی و پاسخ‌گویی مؤثر به الزامات شغلی است. استقلال به میزان ادراک مدیر از اختیار، آزادی عمل و امکان تصمیم‌گیری مستقل در نحوه انجام مسئولیت‌های مدیریتی اشاره دارد. مؤثر بودن نیز بیانگر میزان ادراک مدیر از توانایی خود در ایجاد تأثیر بر فرایندها، تصمیم‌ها و نتایج مرتبط با عملکرد مدرسه است. نمره بالاتر در هر یک از این خرده‌مقیاس‌ها نشان‌دهنده سطح بالاتر همان سازه بود. روایی سازه ابزار در مطالعه کردستانیچ در سال ۲۰۱۰ تأیید شده و ضریب آلفای کرونباخ برای ابزار برابر با ۰.۸۳ گزارش شده است که پایایی قابل قبول آن را نشان می‌دهد. در پژوهش حاضر نیز پایایی درونی خرده‌مقیاس‌های شایستگی، استقلال و مؤثر بودن به‌طور جداگانه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد. استفاده از این دو ابزار امکان اندازه‌گیری کمی و استاندارد متغیرهای اصلی پژوهش، یعنی سواد اطلاعاتی، شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران مدارس را فراهم ساخت.

پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها کدگذاری و در نرم‌افزار SPSS وارد شدند و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام گرفت. در مرحله نخست، داده‌ها از نظر وجود مقادیر گم‌شده، خطاهای احتمالی ورود اطلاعات و پاسخ‌های خارج از دامنه بررسی شدند. برای توصیف مشخصات نمونه و متغیرهای اصلی پژوهش از شاخص‌های آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره استفاده شد. همچنین برای بررسی شکل توزیع نمرات سواد اطلاعاتی، شایستگی، استقلال و مؤثر بودن، شاخص‌های چولگی و کشیدگی محاسبه شد. پیش از اجرای تحلیل‌های استنباطی، مفروضه‌های آماری مرتبط با تحلیل همبستگی و رگرسیون شامل نرمال بودن تقریبی توزیع متغیرها، خطی بودن روابط، استقلال مشاهدات و وجود نداشتن داده‌های پرت مؤثر بررسی شد.

در بخش آمار استنباطی، برای بررسی رابطه سواد اطلاعاتی با هر یک از متغیرهای شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. ضریب همبستگی برای هر رابطه به‌طور جداگانه محاسبه شد تا جهت، شدت و معنی‌داری آماری ارتباط میان سواد اطلاعاتی و شایستگی، میان سواد اطلاعاتی و استقلال و میان سواد اطلاعاتی و مؤثر بودن مشخص شود. علاوه بر این، به‌منظور تعیین میزان توان سواد اطلاعاتی در تبیین تغییرات هر یک از سه متغیر ملاک، تحلیل رگرسیون خطی انجام شد و برای هر مدل ضرایب رگرسیونی، ضریب تعیین، مقدار آماره آزمون و سطح معنی‌داری گزارش گردید. در تمامی تحلیل‌های استنباطی، سطح معنی‌داری آماری برابر با ۰.۰۵ در نظر

گرفته شد و مقادیر کمتر از این سطح به عنوان روابط معنی دار آماری تفسیر شدند. تمامی تحلیل‌ها صرفاً بر چهار متغیر اصلی پژوهش، یعنی سواد اطلاعاتی، شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران مدارس متمرکز بودند.

یافته‌ها

شاخص‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است. بر اساس نتایج، میانگین سواد اطلاعاتی مدیران برابر با ۴۵.۲۷ و انحراف معیار آن برابر با ۱۱.۷۹ بود. همچنین، میانگین شایستگی مدیران ۱۵.۱۷ با انحراف معیار ۵.۹۳، میانگین استقلال مدیران ۱۸.۵۲ با انحراف معیار ۵.۷۸ و میانگین مؤثر بودن مدیران ۱۶.۶۰ با انحراف معیار ۵.۱۶ به دست آمد. این یافته‌ها تصویری کلی از وضعیت متغیرهای اصلی پژوهش در میان مدیران مدارس مورد مطالعه ارائه می‌کنند.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار
سواد اطلاعاتی	۴۵.۲۷	۱۱.۷۹
شایستگی	۱۵.۱۷	۵.۹۳
استقلال مدیران	۱۸.۵۲	۵.۷۸
مؤثر بودن	۱۶.۶۰	۵.۱۶

مقایسه میانگین‌ها و انحراف معیارهای متغیرهای پژوهش نشان داد که پاسخ‌های مدیران در هر یک از متغیرها در محدوده مشخصی پیرامون میانگین توزیع شده‌اند. انحراف معیار متغیرهای شایستگی، استقلال و مؤثر بودن نسبت به دامنه نمرات آن‌ها بیانگر پراکندگی قابل قبول پاسخ‌ها بود. سواد اطلاعاتی نیز با میانگین ۴۵.۲۷ بیشترین میانگین خام را در میان متغیرهای مورد بررسی داشت، هرچند به دلیل تفاوت دامنه نمره‌گذاری ابزارها، مقایسه مستقیم میانگین خام متغیرهای مختلف مبنای مناسبی برای تعیین سطح نسبی آن‌ها نیست.

پیش از اجرای تحلیل‌های استنباطی، نرمال بودن توزیع داده‌های مربوط به متغیرهای سواد اطلاعاتی، شایستگی، استقلال و مؤثر بودن بررسی شد. برای این منظور از آزمون کولموگروف-اسمیرنف استفاده شد. در این آزمون، فرض صفر بیانگر نرمال بودن توزیع داده‌هاست و در صورتی که سطح معنی‌داری بیشتر از ۰.۰۵ باشد، شواهد کافی برای رد فرض صفر وجود ندارد. نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون نرمال بودن داده‌های پژوهش

متغیر	آماره آزمون	سطح معنی‌داری
سواد اطلاعاتی	۰.۸۹	۰.۱۴۲
شایستگی	۰.۹۱	۰.۱۰۵
استقلال مدیران	۰.۷۳	۰.۱۲۴
مؤثر بودن	۰.۸۶	۰.۱۱۳

بر اساس یافته‌های جدول ۲، سطح معنی‌داری آزمون نرمال بودن برای سواد اطلاعاتی برابر با ۰.۱۴۲، برای شایستگی برابر با ۰.۱۰۵، برای استقلال مدیران برابر با ۰.۱۲۴ و برای مؤثر بودن برابر با ۰.۱۱۳ بود. از آنجا که تمامی مقادیر به‌دست‌آمده بزرگ‌تر از ۰.۰۵ بودند، فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها رد نشد. بنابراین، توزیع نمرات چهار متغیر اصلی پژوهش از شرایط لازم برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک برخوردار بود و امکان استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون فراهم شد.

در مرحله بعد، به‌منظور بررسی جهت و شدت رابطه میان سواد اطلاعاتی، شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران مدارس، ضرایب همبستگی پیرسون محاسبه شد. نتایج ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیر	سواد اطلاعاتی	شایستگی	استقلال	مؤثر بودن
سواد اطلاعاتی	۱			
شایستگی	۰.۴۸۳**	۱		
استقلال	۰.۴۳۳**	۰.۴۷۱**	۱	
مؤثر بودن	۰.۲۷۲**	۰.۳۹۵**	۰.۴۰۹**	۱

نتایج جدول ۳ نشان داد که بین سواد اطلاعاتی و هر سه متغیر شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بیشترین ضریب همبستگی سواد اطلاعاتی با شایستگی مشاهده شد که برابر با ۰.۴۸۳ بود. پس از آن، رابطه سواد اطلاعاتی با استقلال مدیران با ضریب ۰.۴۳۳ قرار داشت. همچنین، بین سواد اطلاعاتی و مؤثر بودن مدیران نیز رابطه مثبت و معنی‌داری با ضریب ۰.۲۷۲ مشاهده شد. بنابراین، افزایش نمره سواد اطلاعاتی با افزایش نمره شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران همراه بود.

علاوه بر روابط سواد اطلاعاتی با متغیرهای ملاک، بین خود متغیرهای شایستگی، استقلال و مؤثر بودن نیز همبستگی‌های مثبت و معنی‌داری مشاهده شد. ضریب همبستگی شایستگی با استقلال برابر با ۰.۴۷۱، شایستگی با مؤثر بودن برابر با ۰.۳۹۵ و استقلال با مؤثر بودن برابر با ۰.۴۰۹ بود. با این حال، با توجه به مسئله اصلی پژوهش، تمرکز تحلیل‌های بعدی بر رابطه سواد اطلاعاتی با هر یک از سه متغیر شایستگی، استقلال و مؤثر بودن قرار گرفت.

برای بررسی دقیق‌تر رابطه سواد اطلاعاتی با شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران مدارس، تحلیل رگرسیون انجام شد. در این تحلیل، سواد اطلاعاتی به‌عنوان متغیر پیش‌بین در نظر گرفته شد و شایستگی، استقلال و مؤثر بودن به‌طور جداگانه به‌عنوان متغیرهای ملاک بررسی شدند. ضرایب استانداردشده حاصل از تحلیل رگرسیون در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. ضرایب رگرسیونی استانداردشده رابطه سواد اطلاعاتی با شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران مدارس

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	ضریب استانداردشده β	سطح معنی‌داری
سواد اطلاعاتی	شایستگی مدیران	۰.۴۴	<0.001
سواد اطلاعاتی	استقلال مدیران	۰.۴۳	<0.001
سواد اطلاعاتی	مؤثر بودن مدیران	۰.۳۰	<0.001

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که رابطه سواد اطلاعاتی با شایستگی مدیران مدارس مثبت و از نظر آماری معنی دار بود. ضریب استاندارد شده این رابطه برابر با $\beta=0.44$ به دست آمد و سطح معنی داری کمتر از 0.001 بود. بنابراین، افزایش سواد اطلاعاتی با افزایش شایستگی مدیران مدارس همراه بود و فرضیه مربوط به وجود رابطه معنی دار بین سواد اطلاعاتی و شایستگی مدیران تأیید شد. در میان سه متغیر ملاک مورد بررسی، بیشترین ضریب استاندارد شده مربوط به شایستگی بود که نشان می دهد رابطه سواد اطلاعاتی با شایستگی در مقایسه با دو متغیر دیگر قوی تر بوده است.

در بررسی رابطه سواد اطلاعاتی با استقلال مدیران مدارس نیز ضریب استاندارد شده برابر با $\beta=0.43$ به دست آمد که در سطح کمتر از 0.001 معنی دار بود. مثبت بودن این ضریب نشان داد که نمرات بالاتر سواد اطلاعاتی با سطوح بالاتر استقلال مدیران همراه است. بر این اساس، فرضیه مربوط به رابطه معنی دار بین سواد اطلاعاتی و استقلال مدیران مدارس نیز تأیید شد. مقدار ضریب به دست آمده نشان می دهد که رابطه سواد اطلاعاتی با استقلال مدیران نیز در جهت مثبت و نسبتاً قابل توجه بوده است.

در نهایت، نتایج مربوط به مؤثر بودن مدیران مدارس نشان داد که ضریب استاندارد شده رابطه سواد اطلاعاتی با این متغیر برابر با $\beta=0.30$ بود و این رابطه نیز در سطح کمتر از 0.001 معنی دار به دست آمد. در نتیجه، سواد اطلاعاتی با مؤثر بودن مدیران مدارس رابطه مثبت و معنی داری داشت و فرضیه مربوط به این رابطه نیز مورد تأیید قرار گرفت. اگرچه ضریب این رابطه در مقایسه با روابط سواد اطلاعاتی با شایستگی و استقلال کوچک تر بود، جهت رابطه همچنان مثبت بود و نتایج نشان داد مدیرانی که نمرات بالاتری در سواد اطلاعاتی کسب کرده بودند، در متغیر مؤثر بودن نیز نمرات بالاتری داشتند.

در مجموع، نتایج تحلیل های همبستگی و رگرسیون نشان داد که سواد اطلاعاتی با هر سه مؤلفه مورد بررسی در این پژوهش، یعنی شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران مدارس، رابطه مثبت و معنی داری دارد. قوی ترین رابطه بر اساس ضرایب رگرسیونی استاندارد شده مربوط به شایستگی با ضریب 0.44 بود؛ استقلال با ضریب 0.43 در رتبه بعدی قرار گرفت و مؤثر بودن با ضریب 0.30 نیز رابطه مثبت و معنی داری با سواد اطلاعاتی نشان داد. بنابراین، هر سه فرضیه پژوهش درباره رابطه سواد اطلاعاتی با شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران مدارس تأیید شدند.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سواد اطلاعاتی با شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران مدارس انجام شد. یافته های پژوهش نشان داد که سواد اطلاعاتی با هر سه متغیر مورد بررسی رابطه مثبت و معنی داری دارد. نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که ضریب همبستگی بین سواد اطلاعاتی و شایستگی مدیران برابر با 0.483، بین سواد اطلاعاتی و استقلال مدیران برابر با 0.433 و بین سواد اطلاعاتی و مؤثر بودن مدیران برابر با 0.272 بود. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که ضرایب استاندارد شده رابطه سواد اطلاعاتی با شایستگی، استقلال و

مؤثر بودن به ترتیب برابر با ۰.۴۴، ۰.۴۳ و ۰.۳۰ بودند و تمامی این روابط در سطح کمتر از ۰.۰۰۱ معنی دار به دست آمدند. بنابراین، نتایج به طور کلی نشان دادند که مدیرانی که از سطح بالاتری از سواد اطلاعاتی برخوردارند، در شایستگی، استقلال و مؤثر بودن نیز وضعیت مطلوب تری دارند. در میان این سه متغیر، قوی ترین رابطه به شایستگی و سپس استقلال اختصاص داشت و اگرچه رابطه سواد اطلاعاتی با مؤثر بودن ضعیف تر بود، این رابطه نیز مثبت و از نظر آماری معنی دار بود.

نخستین یافته اصلی پژوهش نشان داد که بین سواد اطلاعاتی و شایستگی مدیران مدارس رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. این یافته را می توان بر مبنای ماهیت شایستگی مدیریتی و نقش اطلاعات در تصمیم گیری توضیح داد. شایستگی مدیر صرفاً به برخورداری از دانش نظری محدود نمی شود، بلکه توانایی تشخیص مسئله، گردآوری اطلاعات معتبر، ارزیابی گزینه های موجود، انتخاب راه حل مناسب و اجرای تصمیمات نیز بخشی از آن محسوب می شود. مدیر برخوردار از سواد اطلاعاتی می تواند نیاز اطلاعاتی خود را سریع تر شناسایی کند، منابع مناسب را از منابع نامعتبر تفکیک نماید و اطلاعات مرتبط را به شکلی هدفمند در فرایند تصمیم گیری به کار گیرد. چنین مدیری در مواجهه با مسائل حرفه ای از پشتوانه اطلاعاتی قوی تری برخوردار است و همین امر می تواند ادراک او از توانایی و کفایت حرفه ای خود را افزایش دهد. در چارچوب های جدید سواد رسانه ای و اطلاعاتی نیز تأکید شده است که سواد اطلاعاتی از طریق تقویت توانایی دسترسی، ارزیابی، تفسیر و استفاده آگاهانه از اطلاعات، به توسعه ظرفیت های فردی و حرفه ای کمک می کند (Unesco, 2025).

این نتیجه با یافته های بابایی پرشه و مصدقی نیک همسو است که نشان دادند سواد اطلاعاتی با خودکارآمدی ارتباط دارد و افراد دارای مهارت اطلاعاتی بیشتر، در ارزیابی توانایی خود برای انجام موفق وظایف نیز وضعیت بهتری دارند (Babaei Parsheh & Mosadeghi Nik, 2022). اگرچه پژوهش آنان در بافت آموزشی متفاوتی انجام شده است، سازوکار بنیادی قابل تعمیم است؛ زیرا هم خودکارآمدی و هم شایستگی بر ارزیابی فرد از توانایی خود برای انجام موفق یک فعالیت تأکید دارند. همچنین، یافته حاضر با نتایج حسینی و علیزاده هماهنگ است که نقش سواد اطلاعاتی را در توانمندسازی حرفه ای معلمان نشان دادند (Hosseini & Alizadeh, 2023). از این منظر، سواد اطلاعاتی می تواند به عنوان یک منبع شناختی برای توسعه شایستگی عمل کند؛ زیرا مدیر با اتکا به اطلاعات دقیق تر، اطمینان بیشتری نسبت به تصمیم های خود پیدا می کند و در نتیجه، احساس تسلط و قابلیت حرفه ای بیشتری خواهد داشت.

همسویی دیگری نیز با پژوهش منطق و جباری مشاهده می شود که نشان دادند مهارت های سواد دیجیتال با توانمندسازی کارکنان ارتباط دارد (Mantegh & Jabbari, 2022). بخش مهمی از سواد دیجیتال و سواد اطلاعاتی به توانایی جست و جو، انتخاب، پردازش و استفاده از اطلاعات بازمی گردد و بنابراین می توان انتظار داشت که تقویت این مهارت ها، ظرفیت فرد برای اقدام مؤثر در محیط سازمانی را نیز افزایش دهد. در مورد مدیران مدارس، این مسئله اهمیت بیشتری دارد، زیرا آنان به طور مستمر با مسائل چندبعدی آموزشی و اجرایی مواجه اند و باید در شرایطی تصمیم گیری کنند که منابع اطلاعاتی متعدد و گاه متناقض در دسترس است. در چنین محیطی، سواد اطلاعاتی می تواند عدم قطعیت را کاهش دهد و فرایند حل مسئله را ساختار یافته تر سازد. یافته یاری زنگنه نیز از این تبیین حمایت می کند؛ زیرا نشان داده شد آموزش مهارت های سواد اطلاعاتی می تواند خودکارآمدی در حل مسئله را ارتقا دهد (Yari Zanganeh, 2024). بنابراین، رابطه مثبت بین

سواد اطلاعاتی و شایستگی مدیران مدارس را می‌توان ناشی از تقویت ظرفیت تحلیل مسئله، تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد و افزایش اطمینان نسبت به توانایی حرفه‌ای دانست.

یافته دوم نشان داد که سواد اطلاعاتی با استقلال مدیران مدارس رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. این یافته از این دیدگاه حمایت می‌کند که دسترسی مؤثر به اطلاعات و توانایی ارزیابی مستقل آن‌ها می‌تواند وابستگی مدیر را به منابع محدود، قضاوت‌های غیررسمی یا توصیه‌های بدون پشتوانه کاهش دهد. مدیری که می‌تواند اطلاعات مورد نیاز خود را به‌طور مستقل جست‌وجو و اعتبار آن را ارزیابی کند، در انتخاب گزینه‌های مدیریتی آزادی عمل بیشتری خواهد داشت. استقلال مدیریتی به معنای تصمیم‌گیری بدون توجه به ساختارها و ضوابط سازمانی نیست، بلکه به توانایی مدیر در اتخاذ تصمیم آگاهانه در محدوده اختیارات حرفه‌ای خود اشاره دارد. از این منظر، سواد اطلاعاتی می‌تواند پایه شناختی استقلال باشد؛ زیرا فرد برای تصمیم‌گیری مستقل به منابع اطلاعاتی معتبر و توانایی پردازش آن‌ها نیاز دارد.

یافته حاضر با پژوهش ژو و وانگ قابل تبیین است که نشان دادند خودکارآمدی در سواد اطلاعاتی با استفاده از راهبردهای خودتنظیمی ارتباط دارد (Xu & Wang, 2025). خودتنظیمی مستلزم آن است که فرد بتواند هدف‌گذاری کند، منابع لازم را شناسایی نماید، عملکرد خود را ارزیابی کند و در صورت نیاز راهبردهای خود را اصلاح نماید. چنین فرایندی با استقلال حرفه‌ای نیز همپوشانی مفهومی دارد. مدیری که در حوزه اطلاعاتی خودکارآمدتر است، احتمال بیشتری دارد که برای حل مسائل به‌طور فعال جست‌وجو کند و برای تصمیم‌گیری صرفاً منتظر دریافت دستور یا راهنمایی از دیگران نباشد. یافته یو و هو نیز نشان داد که خودکارآمدی در فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند نحوه تعامل مستقل افراد با محیط‌های دیجیتال را تحت تأثیر قرار دهد (Yu & Hu, 2022). از این رو، می‌توان استدلال کرد که سواد اطلاعاتی، از طریق افزایش خودکارآمدی در استفاده از منابع دیجیتال و اطلاعاتی، استقلال تصمیم‌گیری مدیر را تقویت می‌کند.

چارچوب ارائه‌شده توسط بیتس و پارتریج نیز از این تبیین حمایت می‌کند؛ زیرا سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی را در محیط کار بخشی از توسعه صلاحیت دیجیتال می‌داند که به کارکنان کمک می‌کند به‌صورت مستقل‌تر با اطلاعات و مسائل حرفه‌ای مواجه شوند (Yates & Partridge, 2024). برای مدیر مدرسه، استقلال زمانی تقویت می‌شود که او بتواند بر اساس شواهد، میان گزینه‌های مختلف مقایسه انجام دهد و تصمیمی را انتخاب کند که بیشترین تناسب را با شرایط مدرسه دارد. همچنین، پژوهش رحیمی و رضایی نشان داد که سواد اطلاعاتی با ادراک سودمندی فناوری‌های یادگیری شخصی‌سازی‌شده ارتباط دارد (Rahimi & Rezaei, 2025). این یافته نشان می‌دهد که افراد دارای سواد اطلاعاتی بالاتر قادرند ارزش و کاربرد ابزارهای اطلاعاتی را بهتر تشخیص دهند و از آن‌ها متناسب با نیازهای خود استفاده کنند. چنین توانایی‌ای در مدیریت مدرسه می‌تواند به افزایش آزادی عمل حرفه‌ای و اتکای بیشتر مدیر به قضاوت آگاهانه خود منجر شود.

یافته سوم پژوهش نشان داد که سواد اطلاعاتی با مؤثر بودن مدیران مدارس رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. گرچه شدت این رابطه در مقایسه با شایستگی و استقلال کمتر بود، مثبت و معنی‌دار بودن آن نشان می‌دهد که مدیرانی که از مهارت‌های اطلاعاتی بیشتری برخوردارند، خود را در تأثیرگذاری بر فرایندها و نتایج مدرسه مؤثرتر ارزیابی می‌کنند. مؤثر بودن مستلزم آن است که تصمیم‌های مدیر بتواند به پیامدهای قابل مشاهده منجر شود. کیفیت چنین تصمیم‌هایی تا حد زیادی به کیفیت اطلاعاتی وابسته است که مبنای آن‌ها قرار می‌گیرد. هرچه اطلاعات

دقیق‌تر، معتبرتر و مرتبط‌تر باشد، احتمال انتخاب راهکار مناسب و دستیابی به نتیجه مطلوب افزایش می‌یابد. بنابراین، سواد اطلاعاتی می‌تواند از طریق بهبود کیفیت تصمیم‌گیری، توان مدیر را برای ایجاد تغییر و دستیابی به اهداف تقویت کند.

این نتیجه با پژوهش شکرپور و همکاران همسو است که نشان دادند سواد اطلاعاتی با رضایت از کیفیت آموزش مجازی رابطه دارد (Shokrpour et al., 2024). این یافته به‌طور غیرمستقیم نشان می‌دهد که توانایی استفاده از اطلاعات می‌تواند کیفیت تجربه و ارزیابی فرد از عملکرد یک نظام آموزشی را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین، پژوهش ساراوانی و تراوردی‌زاده رابطه سواد اطلاعاتی با انگیزش را نشان داد (Saravani & Taravirdi Zadeh, 2025). انگیزش و احساس اثرگذاری می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند؛ به این معنا که فرد زمانی که توانایی بیشتری برای استفاده از منابع اطلاعاتی دارد و نتایج تصمیم‌های خود را مثبت ارزیابی می‌کند، احتمال بیشتری دارد که مشارکت فعال‌تری در فعالیت‌های حرفه‌ای داشته باشد. بنابراین، سواد اطلاعاتی ممکن است از طریق ایجاد زمینه برای تصمیم‌گیری مؤثرتر، احساس تأثیرگذاری مدیر را نیز افزایش دهد.

ورود هوش مصنوعی به محیط‌های آموزشی اهمیت این یافته را بیشتر کرده است. کورسلوند و سیبرت بر این نکته تأکید کرده‌اند که در عصر هوش مصنوعی، سواد اطلاعاتی برای توانمندسازی کنشگران آموزشی ضروری است، زیرا استفاده از سامانه‌های هوشمند بدون ارزیابی انتقادی می‌تواند به تصمیم‌های نادرست منجر شود (Korslund & Seibert, 2025). همچنین، متیوز و بارتلی بر ضرورت تلفیق تفکر انتقادی با سواد اطلاعاتی در محیط‌های آموزشی و حرفه‌ای تأکید کرده‌اند (Matthews & Bartley, 2025). برای مدیر مدرسه، دسترسی به اطلاعات بیشتر لزوماً به معنای عملکرد بهتر نیست؛ بلکه آنچه اثربخشی را افزایش می‌دهد، توانایی تشخیص اطلاعات مرتبط، ارزیابی اعتبار آن‌ها و تبدیل اطلاعات به تصمیم عملی است. از این رو، یافته حاضر نشان می‌دهد که سواد اطلاعاتی می‌تواند یکی از زمینه‌های تقویت مؤثر بودن مدیران در محیط آموزشی پیچیده و فناورانه امروز باشد.

پژوهش ترخو-کینتانا و سایاد نیز بر جایگاه محوری سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در عصر هوش مصنوعی تأکید دارد (Trejo-Quintana & Sayad, 2024). همچنین، سینگ و کومار نشان داده‌اند که در محیط اطلاعاتی جدید، توانایی مواجهه انتقادی با محتوای تولیدشده توسط هوش مصنوعی و اطلاعات جعلی به یکی از ابعاد ضروری سواد اطلاعاتی تبدیل شده است (Singh & Kumar, 2025). این موضوع برای مدیران مدارس اهمیت ویژه دارد، زیرا استفاده از اطلاعات نامعتبر می‌تواند بر کیفیت تصمیم‌های آموزشی و مدیریتی تأثیر منفی بگذارد. در مقابل، مدیرانی که می‌توانند اعتبار اطلاعات را بهتر ارزیابی کنند، احتمال بیشتری دارد که تصمیم‌های قابل دفاع و مؤثرتری اتخاذ کنند و نتایج ملموس‌تری در محیط مدرسه ایجاد نمایند.

یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان در پرتو مطالعه وانگ کولاکسن و همکاران نیز تفسیر کرد. آنان نشان دادند که شیوه آموزش سواد اطلاعاتی و نحوه تعامل افراد با دانش قبلی می‌تواند کیفیت استفاده از اطلاعات را تحت تأثیر قرار دهد (Vongkulluksn et al., 2024). اگر سواد اطلاعاتی به‌عنوان یک مهارت قابل توسعه در نظر گرفته شود، ارتقای آن در مدیران مدارس می‌تواند توان آنان را برای انتخاب و استفاده از اطلاعات مرتبط با مسائل مدیریتی افزایش دهد. از سوی دیگر، چارچوب جهانی یونسکو نیز سواد اطلاعاتی را یک قابلیت اساسی برای مشارکت

آگاهانه در محیط‌های اطلاعاتی پیچیده می‌داند (Unesco, 2025). بنابراین، نتایج این پژوهش با رویکردهای نظری و تجربی جدید هماهنگ است که سواد اطلاعاتی را نه یک مهارت جانبی، بلکه بخشی از قابلیت حرفه‌ای افراد می‌داند.

از منظر گسترده‌تر مدیریت، پژوهش سرگانی و همکاران بر اهمیت توسعه استعدادها و قابلیت‌های حرفه‌ای برای ارتقای عملکرد سازمانی تأکید کرده است (Sirghani et al., 2023). اگرچه موضوع آن پژوهش مستقیماً سواد اطلاعاتی نبود، می‌توان نتیجه گرفت که توسعه مهارت‌های شناختی و اطلاعاتی نیز بخشی از فرایند تقویت قابلیت‌های مدیریتی است. مدیران برای آنکه بتوانند شایسته، مستقل و مؤثر عمل کنند، باید منابع لازم برای قضاوت حرفه‌ای را در اختیار داشته باشند و سواد اطلاعاتی یکی از این منابع مهم است. در مجموع، نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که سواد اطلاعاتی با سه بعد مهم عملکرد مدیریتی ارتباط دارد و بیشترین ارتباط آن با شایستگی و سپس استقلال مشاهده شد. این الگو نشان می‌دهد که سواد اطلاعاتی احتمالاً ابتدا از طریق تقویت توانایی شناختی و تصمیم‌گیری مدیر عمل می‌کند و سپس به افزایش استقلال و مؤثر بودن او در محیط مدرسه منجر می‌شود.

پژوهش حاضر با چند محدودیت همراه بود که باید در تفسیر یافته‌ها مورد توجه قرار گیرد. نخست، طرح پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی و مقطعی بود؛ بنابراین، اگرچه روابط مثبت و معنی‌داری بین سواد اطلاعاتی با شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران مشاهده شد، بر مبنای این یافته‌ها نمی‌توان رابطه علیّ قطعی میان متغیرها استنباط کرد. دوم، داده‌ها بر اساس ابزارهای خودگزارشی گردآوری شدند و در نتیجه احتمال تأثیر سوگیری پاسخ، تمایل به ارائه تصویر مطلوب از خود یا تفاوت در برداشت پاسخ‌دهندگان از گویه‌ها وجود دارد. سوم، جامعه پژوهش به مدیران مدارس یک شهرستان محدود بود و تفاوت‌های سازمانی، فرهنگی و مدیریتی سایر مناطق ممکن است قابلیت تعمیم نتایج را محدود سازد. همچنین، مطالعه حاضر صرفاً بر سواد اطلاعاتی، شایستگی، استقلال و مؤثر بودن متمرکز بود و سایر عوامل سازمانی و فردی که ممکن است بر کیفیت عملکرد مدیران تأثیرگذار باشند در مدل پژوهش وارد نشدند.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده از طرح‌های طولی و در صورت امکان مداخله‌ای استفاده شود تا جهت و ماهیت رابطه سواد اطلاعاتی با شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران با دقت بیشتری بررسی گردد. همچنین، انجام مطالعات مشابه در استان‌ها، مناطق آموزشی و انواع مختلف مدارس می‌تواند به ارزیابی قابلیت تعمیم یافته‌ها کمک کند. استفاده همزمان از ابزارهای خودگزارشی و شاخص‌های عینی عملکرد مدیریتی نیز می‌تواند اعتبار نتایج را افزایش دهد. پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی ابعاد مختلف سواد اطلاعاتی به‌صورت تفکیک‌شده بررسی شوند تا مشخص شود کدام مهارت‌ها، مانند جست‌وجوی اطلاعات، ارزیابی اعتبار منابع یا استفاده کاربردی از اطلاعات، بیشترین ارتباط را با شایستگی، استقلال و مؤثر بودن دارند. همچنین، بررسی مدل‌های میانجی یا تعدیل‌گر می‌تواند سازوکارهای دقیق‌تر ارتباط بین سواد اطلاعاتی و عملکرد مدیریتی را روشن سازد.

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های توسعه حرفه‌ای مدیران مدارس شامل آموزش نظام‌مند مهارت‌های سواد اطلاعاتی باشد و این آموزش‌ها صرفاً به آشنایی فنی با منابع اطلاعاتی محدود نشوند، بلکه مهارت‌هایی مانند تشخیص نیاز اطلاعاتی، جست‌وجوی هدفمند، ارزیابی اعتبار منابع، تحلیل انتقادی اطلاعات و استفاده از شواهد در تصمیم‌گیری مدیریتی را نیز پوشش دهند. همچنین، ادارات آموزش و

پرورش می‌توانند دسترسی مدیران به منابع اطلاعاتی معتبر و سامانه‌های کاربردی را تسهیل کنند و فرصت‌هایی برای تمرین تصمیم‌گیری مبتنی بر داده فراهم آورند. طراحی کارگاه‌های مبتنی بر مسائل واقعی مدارس، استفاده از سناریوهای مدیریتی و آموزش نحوه ارزیابی اطلاعات دیجیتال و خروجی سامانه‌های هوشمند نیز می‌تواند به تقویت شایستگی، استقلال و مؤثر بودن مدیران کمک کند. در کنار آموزش، پیشنهاد می‌شود ارزیابی دوره‌ای سواد اطلاعاتی مدیران در برنامه‌های توسعه حرفه‌ای گنجانده شود تا نیازهای آموزشی آنان به‌صورت هدفمند شناسایی و برطرف گردد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

EXTENDED SUMMARY

Introduction

The rapid expansion of digital technologies, online information environments, data-driven educational systems, and artificial intelligence has fundamentally transformed the professional responsibilities of school principals. Contemporary school management increasingly requires principals to identify relevant information, distinguish reliable evidence from inaccurate or misleading content, evaluate the credibility of information sources, organize available data, and apply information appropriately to managerial decision-making. Within this context, information literacy has emerged as a fundamental professional competency rather than a supplementary technical skill. Information literacy generally encompasses the ability to recognize an information need, locate appropriate information, critically evaluate its credibility and relevance, organize information effectively, and use it ethically and purposefully. International frameworks increasingly emphasize information and media literacy as essential for informed participation and effective professional performance in complex digital environments (Unesco, 2025).

The importance of information literacy has become even more pronounced with the increasing use of artificial intelligence and automated information-generating systems. The availability of large volumes of instantly generated information does not necessarily lead to better decisions because users must be capable of evaluating the accuracy, limitations, relevance, and potential biases of the information they receive. Accordingly, contemporary approaches emphasize the integration of critical thinking with information literacy in educational and professional contexts (Matthews & Bartley, 2025). Similarly, the proliferation of AI-generated misinformation and deepfake content has increased the need for advanced information literacy capabilities that enable individuals to distinguish credible information from manipulated or unreliable material (Singh & Kumar, 2025). For school principals, whose decisions can influence educational processes and organizational outcomes, the ability to critically manage information is particularly important.

Information literacy is also increasingly conceptualized as an important dimension of workplace competence. Media and information literacy enables professionals to engage more independently and effectively with digital information and strengthens

their capacity to make informed decisions in changing organizational environments (Yates & Partridge, 2024). Educational research has similarly indicated that structured information literacy practices can improve the ways individuals search for, evaluate, and apply information in authentic learning environments (Vongkulluksn et al., 2024). These capabilities may be especially relevant to principals because school administration involves continuous problem solving and the evaluation of alternative courses of action.

One important managerial characteristic potentially associated with information literacy is competence. Competence reflects an individual's perception of having the knowledge, skills, and capabilities necessary to perform professional responsibilities successfully. Principals with stronger information literacy may be better able to identify problems, gather relevant evidence, compare alternative solutions, and make evidence-informed decisions. Consequently, they may experience greater confidence in their managerial capabilities. Previous research has demonstrated relationships between information literacy and constructs related to self-efficacy and professional competence. Information literacy and communication skills, for example, have been associated with academic self-efficacy in educational settings (Babaei Parsheh & Mosadeghi Nik, 2022). Information literacy has also been identified as an important factor in the professional empowerment of educators (Hosseini & Alizadeh, 2023). Similarly, digital literacy skills have been associated with employee empowerment, suggesting that the ability to interact effectively with information and technology can strengthen individuals' perceived capacity to perform their professional roles (Mantegh & Jabbari, 2022).

Autonomy is another managerial characteristic that may be related to information literacy. Professional autonomy involves the ability to exercise informed judgment and make decisions within one's sphere of responsibility. Information-literate principals can independently locate and evaluate evidence rather than relying exclusively on incomplete information or the judgments of others. Research on information literacy self-efficacy indicates that greater confidence in one's information capabilities is associated with stronger self-regulated strategies (Xu & Wang, 2025). ICT self-efficacy has similarly been connected with more effective engagement in digital environments (Yu & Hu, 2022). These findings suggest that competence in managing information may provide an important cognitive foundation for independent professional action.

Information literacy may additionally contribute to principals' perceived effectiveness. Effective managers must translate information into decisions and actions capable of producing desirable organizational outcomes. Research has demonstrated that information literacy is associated with several favorable educational outcomes. Training in information literacy skills has been found to improve self-efficacy in problem-solving abilities (Yari Zanganeh, 2024), while information literacy has also been associated with the perceived usefulness of personalized educational technologies among teachers (Rahimi & Rezaei, 2025). Other research has demonstrated relationships between information literacy and academic motivation (Saravani & Taravirdi Zadeh, 2025) as well as satisfaction with the quality of virtual education (Shokrpour et al., 2024). These findings collectively suggest that individuals who are better able to manage information may interact more effectively with professional and educational environments.

Recent developments in artificial intelligence further reinforce this perspective. Information literacy is increasingly viewed as central to empowering educators to interact critically and responsibly with AI-assisted systems (Korslund & Seibert, 2025). Contemporary media and information literacy frameworks likewise emphasize critical evaluation, interpretation, and responsible information use as essential capabilities in the age of artificial intelligence (Trejo-Quintana & Sayad, 2024). More broadly, organizational research emphasizes the importance of developing professional competencies and managerial capabilities as foundations for effective performance (Sirghani et al., 2023). Despite this growing body of evidence, relatively limited attention has been devoted specifically to the relationship between information literacy and competence, autonomy, and effectiveness among school principals. Therefore, the present study aimed to investigate the relationship between information literacy and school principals' competence, autonomy, and effectiveness.

Methods and Materials

The present study employed a quantitative, descriptive-correlational design. No experimental intervention or manipulation of variables was conducted, and all study variables were measured under naturally occurring conditions. Information literacy was considered the principal predictor variable, while competence, autonomy, and effectiveness of school principals constituted the criterion variables. The statistical population consisted of all 197 school principals working in Gonabad County, Razavi Khorasan Province, Iran, across elementary, lower-secondary, upper-secondary, technical, and vocational schools. Based on the Krejcie and Morgan sampling framework, the minimum required sample size was estimated at 127 participants. To account for potential attrition or incomplete questionnaires, 140 principals were initially selected using proportionate stratified random sampling. The selected sample included 82 elementary school principals, comprising 39 urban and 43 rural principals; 32 lower-secondary school principals, equally divided between 16 urban and 16 rural principals; and 26 upper-secondary, technical, and vocational school principals, including 24 urban and 2 rural principals. Participation was voluntary, and informed consent was obtained before questionnaire administration.

Information literacy was assessed using the School Principals' Information Literacy Questionnaire. The instrument contained 15 items rated on a five-point Likert scale and assessed written, technical, and communication dimensions of information literacy, with five items allocated to each dimension. Higher total scores represented higher levels of information literacy. Previously reported internal consistency for this questionnaire was 0.86. In the present study, the total information literacy score constituted the main variable used in the analyses.

Competence, autonomy, and effectiveness were assessed using the relevant subscales of a standardized psychological empowerment instrument for managers. Responses were recorded on a seven-point Likert scale, with higher scores representing higher perceived levels of the corresponding construct. Competence represented principals' perception of their capability to perform managerial responsibilities successfully. Autonomy reflected their perceived discretion and freedom in making and implementing professional decisions, while effectiveness represented their perceived ability to influence organizational processes and outcomes. The previously reported reliability coefficient for the instrument was 0.83.

Data were coded and analyzed using SPSS. Descriptive statistics, including means and standard deviations, were calculated for all study variables. Before inferential analysis, the normality of the distributions was evaluated using the Kolmogorov-Smirnov test. Pearson correlation coefficients were then calculated to determine the direction and magnitude of the relationships between information literacy and competence, autonomy, and effectiveness. Regression analyses were subsequently conducted to examine the standardized relationship of information literacy with each criterion variable. Statistical significance was set at 0.05.

Findings

Descriptive analysis showed that the mean information literacy score was 45.27 with a standard deviation of 11.79. The mean competence score was 15.17 with a standard deviation of 5.93, while autonomy had a mean of 18.52 and a standard deviation of 5.78. The mean effectiveness score was 16.60 with a standard deviation of 5.16.

The Kolmogorov-Smirnov results supported the normality assumption for all four variables. The test statistics for information literacy, competence, autonomy, and effectiveness were 0.89, 0.91, 0.73, and 0.86, respectively. The corresponding significance values were 0.142, 0.105, 0.124, and 0.113. Since all significance values exceeded 0.05, there was insufficient evidence to reject the assumption of normality, supporting the application of parametric analyses.

Pearson correlation analysis demonstrated statistically significant positive relationships between information literacy and all three criterion variables. Information literacy showed the strongest correlation with competence, with $r=0.483$. Its correlation with autonomy was $r=0.433$, while its correlation with effectiveness was $r=0.272$. All three correlations were significant at the 0.01 level. Positive relationships were also observed among the three criterion variables. Competence correlated with autonomy at $r=0.471$ and with effectiveness at $r=0.395$, whereas autonomy and effectiveness were correlated at $r=0.409$.

Regression analysis further confirmed the relationships between information literacy and the three managerial variables. The standardized regression coefficient for the relationship between information literacy and competence was $\beta=0.44$, $p<0.001$. For autonomy, the standardized coefficient was $\beta=0.43$, $p<0.001$. Information literacy was also positively associated with effectiveness, with a standardized coefficient of $\beta=0.30$, $p<0.001$. Accordingly, all three study hypotheses were supported. The strongest standardized relationship was observed for competence, closely followed by autonomy, whereas the relationship with effectiveness, although comparatively smaller, remained positive and statistically significant.

Discussion and Conclusion

The findings demonstrated that information literacy was positively and significantly related to competence, autonomy, and effectiveness among school principals. The strongest association was observed between information literacy and competence. This finding suggests that principals who are more capable of locating, evaluating, organizing, and applying information are also more likely to perceive themselves as capable of successfully performing their managerial responsibilities. Access to reliable information can reduce uncertainty, improve problem analysis, facilitate comparison among alternative courses of action, and strengthen the evidentiary basis of managerial decisions. These processes can reasonably contribute to a stronger sense of professional competence.

A similarly substantial relationship was found between information literacy and autonomy. This result indicates that principals with stronger information literacy are more likely to exercise informed professional judgment independently. Information literacy provides managers with the capacity to search for evidence, assess its credibility, and use relevant information without excessive reliance on informal judgments or incomplete sources. Thus, greater information literacy may provide the cognitive resources necessary for more independent and responsible decision-making. Importantly, managerial autonomy should not be interpreted as acting outside organizational rules; rather, it represents the capacity to make informed choices within one's legitimate professional responsibilities.

Information literacy was also positively associated with effectiveness. Principals with greater information literacy may be better positioned to convert available information into practical decisions, identify appropriate solutions to school problems, and anticipate the consequences of alternative actions. Although this relationship was weaker than those observed for competence and autonomy, it remained statistically significant. This pattern may indicate that perceived effectiveness is influenced by a

broader range of organizational conditions and therefore cannot be explained by information capabilities alone. Nevertheless, the positive relationship suggests that information literacy represents an important resource for strengthening principals' capacity to influence school processes and achieve intended outcomes.

Taken together, the findings indicate that information literacy should be viewed as an integral component of contemporary school leadership. Information-literate principals possess stronger resources for understanding problems, evaluating evidence, making independent decisions, and translating information into effective managerial action. The particularly strong relationships with competence and autonomy suggest that information literacy may primarily strengthen principals' cognitive and decisional capacities, which may subsequently contribute to greater effectiveness in their professional roles. The study therefore concludes that higher information literacy is associated with higher levels of competence, autonomy, and effectiveness among school principals. Strengthening principals' ability to access, critically evaluate, organize, and apply information may consequently represent an important strategy for enhancing the quality of school management in increasingly complex and information-intensive educational environments.

References

- Babaei Parsheh, A., & Mosadeghi Nik, F. (2022). The relationship between information literacy and communication skills of teachers with academic self-efficacy with the moderating role of students' intelligence beliefs. *Management and Educational Perspective*, 4(2), 1-20. <https://doi.org/10.22034/jmep.2022.316796.1084>
- Hosseini, S. M., & Alizadeh, N. (2023). Professional Empowerment of Teachers with the Mediating Role of Information Literacy. 6th International Conference on Interdisciplinary Studies in Psychology, Counseling, Education, and Educational Sciences, <https://en.civilica.com/doc/1717010/>
- Korslund, S. L., & Seibert, A. (2025). Empowering Educators and Students Through Information Literacy in the Era of AI. 261-288. <https://doi.org/10.4018/979-8-3373-0872-2.ch009>
- Mantegh, H., & Jabbari, L. (2022). Employees' Digital Literacy Skills and Their Relationship with Empowerment: A Case Study of Allameh Tabataba'i University Staff. *Information Management Science and Technology*, 8(1), 221-244.
- Matthews, A., & Bartley, B. (2025). Pay Attention to the Chatbot Behind the Curtain When AI 'Is No Place Like Home': A Framework and Toolkit for Integrating Critical Thinking and Information Literacy in Educational and Professional Settings. *Aoe*, 3(3), 247. <https://doi.org/10.69554/fmai7138>
- Rahimi, S., & Rezaei, M. (2025). Information Literacy and Perceived Usefulness of Personalized Learning Technologies among Primary Teachers. *Journal of Computer Assisted Learning*, 41(2), 1-18.
- Saravani, M., & Taravirdi Zadeh, Z. (2025). The Relationship Between Information Literacy and Academic Motivation in Female Students with Learning Disabilities in the Second Cycle of Secondary Education. *Journal of Exceptional Education and Learning*, 15(2), 67-88. <https://civilica.com/doc/2269249/>
- Shokrpour, N., Bijani, M., Bazrafcan, L., & Dadyar, Z. (2024). Relationship Between Information Literacy and Satisfaction With Quality of Virtual Education in Iranian Nursing Students During the COVID-19. *BMC research notes*, 17(1). <https://doi.org/10.1186/s13104-024-07000-6>
- Singh, K. N., & Kumar, H. (2025). Futuristic Media Information Literacy to Counter AI Generative Deepfake Media Content and Its Implication. *JJDMS*, 23(1). <https://doi.org/10.70994/jjdms.10689.10703>
- Sirghani, S., Taheri Lari, M., & Bahrzadeh, H. A. (2023). Designing a model of talent management in the parent company of thermal power. *Journal of value creating in Business Management*, 3(3), 229-245. <https://doi.org/10.22034/jvcbm.2023.408429.1150>
- Trejo-Quintana, J., & Sayad, A. L. V. (2024). The Pillars of Media and Information Literacy in Times of Artificial Intelligence. *Journal of Latin American Communication Research*, 12(2), 34-42. <https://doi.org/10.55738/journal.v12i2p.34-42>
- Unesco. (2025). *Global Framework for Media and Information Literacy Education*.
- Vongkulluksn, V. W., Shortt, M. B., Akinkuolie, B., & Xie, K. (2024). Information literacy instruction in naturalistic high school science classrooms: Instructional strategies and associations with students' prior knowledge. *Teaching and Teacher Education*, 144, 104572. <https://doi.org/10.1016/j.tate.2024.104572>
- Xu, J., & Wang, Y. (2025). Variations in Perceived Self-Efficacy in Information Literacy and Their Impacts on Self-Regulated English Writing Strategies. *Journal of Librarianship and Information Science*, 58(1), 586-596. <https://doi.org/10.1177/09610006251320090>
- Yari Zanganeh, M. (2024). The Effectiveness of Information Literacy Skills Training on Social Intelligence and Self-Efficacy in Problem-Solving Skills. *Knowledge Retrieval and Semantic Systems*, 11(39), 179-204. https://jks.atu.ac.ir/article_16033.html?lang=en
- Yates, S., & Partridge, H. (2024). Media and information literacy in the workplace: A framework for digital competence development. *Journal of Workplace Learning*, 36(2), 101-119.
- Yu, H., & Hu, J. (2022). ICT Self-Efficacy and ICT Interest Mediate the Gender Differences in Digital Reading: A Multilevel Serial Mediation Analysis. *International Journal of Emerging Technologies in Learning (Ijet)*, 17(05), pp. 211-225. <https://doi.org/10.3991/ijet.v17i05.25691>